

در ذکر جمله صالحه از شرح خیر قرآن و آیه نزل آن که تفسیر آنست
 مروت و خوی در تعبیر بدن مضطرب ممنوع و مخلوق با **ایا اول** در میان علوم
 بچنانکه که قرآن عظیم بطریق تفسیر میان آن فرموده باید است که معانی مفسر
 قرآن خارج از علم نیست علم احکام از آداب و مذکور و مباح و مکروه و حرام
 از علم عبادت باشد یا معاملات با دیگر نزل است بدین تفسیر این علم
 فقیه است و علم فقه با چه فرقه ضالیه بود و لغاری و مکتب و فقه و لغاری
 علم در علم است و علم بقرآن با الله از میان حق سبحانه و تعالی و انعام
 با آنچه این را در جمیع بایست در میان صفات کامله او مبارک و تعالی
 علم بقرآن با علم اسمی همان قیاسی که آنرا خدا می نماید ایجاب فرموده است
 از جنبش انعام بطریق تدریس مجرب و علم بقرآن است و با بعد از آن
 و صاحب و بران و جنت و نار و حفظ لغات این علوم و احادیث
 و آثار فاسده آن و غیره واقف است و میان این علوم برودش تعجب
 اول واقع شده بر روش تقریر تا قرآن پس در آیه احکام اخفا کرده

متن نیز است و تعجب تواند از نبود خبر مذکور که مضامین امر بایست
 از قرآن نغز شود در آیه مخاصمه التزام به مشهور است مسلم و خطایات یافته
 اجتناب نمودن نغز بر این روش مستقیم مناسب در انتقال از مطلبی
 چنانکه فاعله ادبایی تا حرکت رعایت نکرد بکلی آنچه القوان و بعد از فهم
 دانست آن را نغز فرمود و بر چه مقدم شود که نغز و بر چه نغز شود که نغز عامه
 صغیر و باین آیه از آیه مخاصمه و آیه احکام تفسیر بواسطه نزل آن
 نغز را سبب نزل آن نگارند اما محض آنست که نغز اصلی از نزل قرآن
 نغز نغز نغز است و در هم گشتن عقاید باطله و احسان فاسده ایشان
 پس بر وجود عقاید باطله در مکتبین سبب نزل آیه مخاصمه است و وجود اعمال
 فاسده و جریان فظلم در میان ایشان سبب نزل آیه احکام است
 و قرآن نشان ایشان که مگر الله و انعام الله و انعام موت و با بعد از آن
 سبب نزل آیه نغز است خصوصاً تفسیر جزئی که تفسیر ادب
 آن گشته اند چونان و خیل نسبت الله در بعضی آیه است که اینجا تفسیر است